



این بررسی است.

چکیده

تفرقه و جدایی بین مسلمانان از دیرباز مسئله‌ای جدی و پر اهمیت بوده است و عده‌ای همواره برای تألیف قلوب پیروان



آخرین دین آسمانی جهد و تلاش فراوان نموده‌اند که از آن جمله می‌توان به بزرگ‌مردانی که در این مقاله بدانها پرداخته شده است اشاره نمود. این رادمردان در این راه سترگ اقدام به مسافرتها، مباحثه‌ها، تألیفها و مجاهدتهای فراوانی نموده‌اند و مجموعه‌ای از دستورات عملیها و افکار مؤثر و مفید در راستای این هدف ارائه کرده‌اند و دیگران را نیز به سوی این رفتار نیکو فرا خوانده‌اند و تنها راه نجات مسلمانان را وحدت کلمه و جمع شدن تحت یک رایت می‌دانسته‌اند. این نوشتار به بررسی زندگی، آثار و اندیشه‌های شش نفر از این طلایه‌داران تقریب بین مذاهب اسلامی می‌پردازد که در این شماره شخصیت بی‌نظیر امام خمینی(ره) موضوع

کلیدواژگان

وحدت، تقریب، مشکلات جهان اسلام، طلایه‌داران و بزرگان تقریب، راهکارهای وحدت

مقدمه

اختلاف انداختن میان مذاهب اسلامی و پیروان آنها، از آن روزی که این مذاهب شکل گرفته‌اند، همواره در برنامه‌های اساسی دشمنان اسلام قرار داشته است و گاهی نیز مسلمانان آگاهانه یا ناآگاهانه به آنها یاری رسانده‌اند. دشمنان اسلام همواره کوشیده‌اند تا با مبنا قرار دادن شعار «فَرَقَ تَسُد» (تفرقه بینداز و حکومت کن)، جماعت مسلمانان را پراکنده کنند و از ضعف حاصل از آن نهایت استفاده را ببرند و از منافع آنها بهره‌بری کنند. از سوی دیگر، از قدرت گرفتن ایشان جلوگیری کنند. در این میان مصلحانی ظهور یافتند که از اندیشه و

در برنامه امام
مهم‌ترین هدف،
انسجام جوامع
اسلامی و ایجاد
تغییر در نظام
جهانی است که با
برنامه‌ای استعماری
به وجود آمده و به
نفع «کشورهای
شمال» است. در
این نظام «سهم
کشورهای جنوب»
از برخورداریهایی
جهانی بسیار اندک
است. در ارتباط
برای وحدت
میان دولت‌ها با به
رسمیت شناختن
حق حاکمیت
دیگر کشورها
و موضع‌گیری
صلح‌آمیز و رابطه
دوستانه با آنان،
در صدد بودند که
به ایجاد همگرایی
سیاسی نایل آیند

در سن هشت سالگی امام خمینی، پدر ایشان در
درگیری با اشرار به شهادت رسید بنابراین، سرپرستی
و تربیت ایشان را عمه ایشان بر عهده گرفت.
امام، تحصیل را از مکتب خانه مرحوم ملا ابوالقاسم
آغاز کرد و دروس مقدماتی را در آنجا فرا گرفت. پس
از اتمام تحصیلات مقدماتی، عازم اراک شد و حضور
آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حایری به دلیل موقعیت
اجتماعی و علمی، به حوزه عملیه اراک رونق خاصی
بخشیده بود. امام علاوه بر شرکت در درس آیت الله
عبدالکریم حایری، دروس فلسفه، ریاضیات، هیئت و
حساب را نیز در محضر آقا میرزا علی اکبر یزدی فرا
گرفت. ایشان عرفان را نزد مرحوم میرزا محمدعلی
شاه آبادی آموخت و از شاگردان برجسته ایشان بود.
اساتید دیگر ایشان، آیت الله اراکی، محمدعلی ادیب
تهرانی، محمدتقی خوانساری و آیت الله پسندیده برادر
بزرگشان بودند.

امام در سال ۱۳۰۱ همزمان با هجرت آیت الله شیخ
عبدالکریم حایری رهسپار قم گردید و در سال ۱۳۰۶
هش به درجه اجتهاد نایل شد و در همان سالها
شروع به تدریس نمود. امام در سال ۱۳۰۸ با خانم
خدیجه تقی دختر آقا میرزا محمد تقی تهرانی ازدواج
کرد. حاصل این ازدواج پنج دختر و دو پسر بود.

نیرنگ دشمنان اطلاع داشتند. لذا تمام توان خود را
در این راه صرف نمودند و تا حد زیادی توانستند این
تفرق را به یکپارچگی مبدل سازند. این بزرگ مردان
عده کثیری از علما و بزرگان را شامل می‌شوند
لیکن در این مقاله به علت نبودن مجال کافی، به
گزارش زندگی و تبیین اندیشه‌های گزیده‌ای از این
رادمردان پرداخته‌ایم. شایان ذکر است که این مقاله
خلاصه‌ای است از نوشتاری مبسوط که به مقتضای
شرایط ارائه مقاله در فصلنامه فروغ وحدت تلخیص
شده است.

امام خمینی زندگی‌نامه

سید روح الله خمینی در اول مهر ۱۲۸۱ هـ.ش، ۲۰
جمادی الثانی ۱۳۲۰ هـ.ق - ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۲ م، در
خمین در خانواده‌ای اهل علم و با فضیلت چشم به
جهان گشود.

پدر ایشان، آیت‌الله سید مصطفی، از افرادی بود که
به علم و تقوا شهرت داشت. مادر امام خمینی، هاجر
خانم دختر مرحوم آقا میرزا احمد مجتهد خوانساری
بود. خاندان امام خمینی منتسب به علامه میرحامد
حسین صاحب کتاب معروف عقبات الانوار می‌باشند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علمی و پژوهشی

رادمردان تقوی

باقر کرکین / دانشجوی رشته فلسفه و عرفان اسلامی
bedelbedel@yahoo.com



اختلاف انداختن
 میان مذاهب
 اسلامی و پیروان
 آنها، از آن روزی که
 این مذاهب شکل
 گرفته‌اند، همواره در
 برنامه‌های اساسی
 دشمنان اسلام قرار
 داشته است و گاهی
 نیز مسلمانان آگاهانه
 یا ناآگاهانه به آنها
 یاری رسانده‌اند.
 دشمنان اسلام
 همواره کوشیده‌اند
 تا با مبنای قرار دادن
 شعار «فرق تسد»
 (تفرقه بینداز و
 حکومت کن)،
 جماعت مسلمانان
 را پراکنده کنند و از
 ضعف حاصل از آن
 نهایت استفاده را
 ببرند و از منافع آنها
 بهره‌بری کنند

فعالیت‌های علمی و اجتماعی

سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ برای امام سالهای تدریس و تألیف بود. اما در این سالها آثار مختلفی تألیف کردند که شرح دعای سحر (۱۳۰۷) مصباح الهدایه الی الخلافه الولایه (۱۳۰۹ ش) تعلیقه علی شرح فصوص الحکم (۱۳۱۵ ش)، تعلیقه علی مصباح الانس (۱۳۱۵ ش) شرح چهل حدیث (۱۳۱۸ ش) سرالصلاه (۱۳۱۸ ش) و آداب الصلاه (۱۳۲۱ ش) از آن جمله‌اند. ایشان در سال ۱۳۲۳ هـ ش برای دعوت از آیت الله بروجردی به قم به فعالیت‌های فراوانی اقدام نمودند؛ به گونه ای که آیت الله بروجردی راهی قم شد و مرجعیت را بر عهده گرفت. در همین ایام امام به تألیف همت گماشت و کتب فراوانی را تألیف کرد که می‌توان به انوار الهدایه فی التعلیقه علی الکفایه (۱۳۲۸ هـ ش) بدایع الدرر فی قاعده نفی الضرر (۱۳۲۸ ش) الاستصحاب (۱۳۳۰ ش)، التعادل و التراجیح (۱۳۳۰ ش) الاجتهاد و التقليد (۱۳۳۰ ش)، منهاج الوصول الی علم الاصول (۱۳۳۰ ش)، تعلیقه علی عروه الوثقی (۱۳۳۵ ش) المکاسب المحرمه (۱۳۴۰-۱۳۳۷ ش)، تحریر الوسیله (۱۳۴۴-۱۳۴۳ ش)، کتاب البیع (۱۳۵۵-۱۳۴۰ ش) اشاره کرد.

در این سالها، نهضت ملی شدن نفت در جریان بود و امام با فعالیت‌های آیت الله کاشانی آشنایی نزدیکی داشت و گاهی با او به مشورت‌هایی می‌پرداخت. همچنین ایشان برای آیت الله کاشانی احترام خاصی قائل بودند.

در فروردین ۱۳۴۰ آیت الله العظمی بروجردی در گذشت. در این هنگام حوزه علمیه و مسلمانان، امام خمینی را به عنوان مرجعی بزرگ می‌شناختند و با گرایش به وی جایگاه علمی و مرجعیت ایشان تثبیت شد.

نهضت اسلامی

در سال ۱۳۴۰ با مطرح شدن انقلاب سفید و اصلاحات ارضی، توسط شاه، امام وارد عرصه سیاست شد و این طرح ظالمانه را مورد اعتراض قرار داد. در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ امام طی یک سخنرانی انقلابی دربار و شخص شاه را مورد حمله قرار داد و آنها را به باد انتقاد گرفت. در پی این سخنرانی، امام و جمعی از یارانش دستگیر و روانه زندان شدند. مردم در ۱۵ خرداد همان سال در حمایت از زندانیان به خیابانها ریختند و خواستار آزادی امام و دیگر زندانیان شدند. شاه مردم را به شدت سرکوب کرد و هزاران نفر را به خاک و خون کشید. این عمل باعث برانگیختن احساسات و اعتراضات مسلمانان جهان شد که از آن جمله شیخ محمود شلتوت رئیس جامع الازهر مصر

بود. وی طی اعلامیه‌ای اعتراض مسلمانان را نسبت به وقوع این حادثه اعلام کرد و از مسلمانان جهان خواست که هم‌کیشان خود را تنها نگذارند و توهین بر علمای دین و روحانیون را به شدت محکوم کنند. حاصل این اعتراضات، آزادی امام در ۲۱ مرداد ۱۳۴۲ بود. در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ امام به ترکیه تبعید شد و از آنجا به نجف رفت و در آن ایام بود که نظریه ولایت فقیه و حکومت اسلامی را پایه‌ریزی کرد. مبارزات امام و ملت ایران با شاه، شدت یافت تا جایی که شاه از ادامه سرکوب قیامها نا امید شد و در ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ ایران را ترک کرد و امام در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ رژیم پهلوی سقوط کرد و انقلاب به پیروزی رسید.

ضرورت وحدت

امام خمینی به برقراری وحدت بین صفوف مسلمین اعتقاد راسخی داشت و ضرورت وحدت مسلمین را از سه جهت تبیین می‌کرد و به این امر قائل بود که وحدت به حکم عقل و شرع و شرایط و مقتضیات ویژه، واجب است و نظریاتش را در این باب تبیین می‌کرد و بر اساس این نظریات بود که تئوری عملی وحدت مسلمین را مطرح نمود و برعکس کسانی که فقط در مقوله نظر به این قضیه می‌پرداختند، امام (ره) از بعد عملی نیز برای این جریان تئوری، نظریه ارائه کرد. در این قسمت به تبیین ضرورت وحدت از جهت شرع و عقل و مقتضیات خاص می‌پردازیم.

وحدت به اقتضای حکم شرع

امام در اکثر سخنانش مخاطبین را این گونه خطاب قرار می‌داد که وحدت و برادری مسلمین و مؤمنین، دستوری است که در قرآن آمده است و ما باید به آن سبب به آن گردن نهیم و به آیات مختلف قرآن استناد می‌کردند و آن آیات را دلیل وجوب وحدت مسلمین می‌دانستند.

«اگر ما هیچ جهتی را ملاحظه نکنیم الا برادری خودمان را، انسجام پیدا می‌کنیم. همه مومنین را، قرآن می‌خواند که با هم برادر باشند و غیر از این هم نباشد در بین، اگر همه مومنین، در تمام کشورهای اسلامی همین یک دستور خدا را که خدا عقد اخوت بینشان انداخته است همین یک دستور را عمل بکنند، قابل آسیب دیگر نیست. اگر یک میلیارد جمعیت مسلمان به این یک حکم خدا سر نهاده باشند، اطاعت کرده بودند همین یک حکم را که «انما المومنون اخوه» برادرند اینها، اگر این برادری در همه جا بود، اگر این برادری در تمام قشرهای ملتها بود، این گرفتاریها برای ما پیدا نمی‌شد.»^۸



امام از این جهت به این جریان مقدس اعتقاد داشتند که بنابر اعتقاد ایشان، این مطلبی است که خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم و پیغمبر اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه مسلمین به آن سفارش فرموده‌اند.^۹

امام در دیدار با وزیر خارجه کشور سوریه در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۵ شمسی در ارتباط با وحدت مسلمین این چنین فرمودند:

«امیدوارم که مسلمین و ملت‌های اسلامی همان طور که دستور اسلام و قرآن مجید است با هم برادر باشند و نسبت به دشمنان انسانیت، کشورهای اسلام با شدت و قدرت رفتار کنند و این حاصل نمی‌شود الا به اینکه از اختلافات جزئی که بین دولت‌ها هست، دست بردارند و مثل برادر هم باشند. این اختلاف موجب بهره‌برداری دشمن‌های اسلام و مسلمین است. باید از این بهره‌برداری جلوگیری بشود و به وحدت اسلامی و اینکه همه در تحت لوای اسلام و قرآن مجید مجتمع بشوند؛ زیرا آن طور که قرآن دستور داده است «رحماء بینهم و اشداء بر کفار»^{۱۰} باشند».

از جهت عقلانی نیز با وضعیت موجود جهان اسلام و وجود دشمن مشترک، معتقد بود که مسلمین با یکدیگر بر علیه دشمنان مشترک خود متحد شوند. امام به طور پیوسته به بررسی وضعیت جهان اسلام می‌پرداخت و پس از این تشریح، مسلمین و دول اسلامی را به تفکر دعوت می‌کرد و تذکر می‌داد که «این وضعیت سامان نمی‌یابد مگر در سایه وحدت و رفع اختلاف‌های موجود در دولت‌های اسلامی که باید با هم همصدا باشند، همفکر باشند، همه از یک دیانت، صاحب یک کتاب و همه هم می‌بینند که با اختلافاتی که بینشان هست دیگران نتیجه می‌گیرند، درد را می‌دانند لکن به دنبال دوا نمی‌روند؛ بلکه هر روز اختلافشان بیشتر می‌شود و جدایی از هم بیشتر پیدا می‌کنند و دولت‌های بزرگ هم حرفشان همین است که ماها از هم جدا باشیم و با هم بلکه دشمن باشیم و اشتغال پیدا کنیم به حال هم و آنها استفاده کنند. باید مسلمین فکر اساسی برای خودشان بکنند و دولت‌های اسلامی فکر اساسی بکنند. فکر این نباشد که چند روزی که هستند، مرفه باشند و دارای سلطه بر کشور خودشان و این درد تفرق را خودشان (دولت مردان و حکام) دوا کنند و الا هیچ‌علاجی دیگر نیست در کار و هیچ مجلس و هیچ کنفرانس و هیچ اجتماعی اثری نخواهد گذاشت»^{۱۱}

براین اساس در این اوضاع که کشور اسلامی ایران و دیگر دول اسلامی در حساس‌ترین برهه تاریخی خود به سر می‌برند، ضرورت وحدت بیش از پیش احساس می‌گردد. امام خمینی در جایگاه‌های مختلف، علماء و مردم را متوجه وضعیت خاص ایران و اسلام می‌نمود^{۱۲} و با توجه به وضعیت موجود، خواستار جدایی از تفرقه و ایجاد اتحاد می‌گردید، ایشان می‌فرمودند: «آنهایی که اسلام را نمی‌توانند ببینند و آنهایی که از اسلام سبلی خورده‌اند، در کمینند و اگر شماها در داخل به اسم تشیع و تسنن بخواهید خدای ناخواسته اختلاف ایجاد کنید، تکلیف برای ما پیدا خواهد شد و آنهایی که مفسده جو هستند و می‌خواهند با مفسده جویی بین برادرها اختلاف بیندازند، آنها را ما می‌شناسیم و ممکن است خدای ناخواسته معرفی کنیم به برادران اهل سنت و به برادران اهل تشیع و به همه ملت ... ما به آنها هشدار می‌دهیم که توجه به اسلام بکنند، توجه به مصالح مسلمین بکنند توجه به توطئه‌های خارجی بکنند و دامن زدن به اختلاف، امروز یک معصیت ناخوشدنی است»^{۱۳}

نظریه وحدت و اتحاد مسلمین که مبتنی بر اصول دین و برگرفته از مضامین قرآنی و اسلامی است نفی‌کننده بعد سیاست و عقلانیت سیاسی داشتن این جریان نیست و البته اگر سیاسی هم که گفته می‌شود، نباید به معنای منفی کلمه باشد؛ بلکه نظریه‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی امام علاوه بر اینکه برگرفته از کتاب آسمانی و مبتنی بر اسلام است، در مراتب پایین‌تر به اندیشه‌های وحدت نیز وابسته است؛ یعنی اولاً و یزادات اندیشه و نظریه وحدت (از دیدگاه امام) ضروری اصل دین است و ثانیاً و بالعرض برگرفته از وجوب عقلانیت سیاسی وحدت است



امروز دنبال کردن این حرف که چه کسی بد است و چه کسی خوب است، خلاف اسلام است و خلاف مصالح اسلامی. این جزء نقشه‌ای از خارج است که نگذارند این مملکت آرام گیرد، نگذارند شما یک مملکت اسلامی درست کنید. این نقشه‌ای است که از خارج اشخاصی شیطانی الهام می‌کنند که به اشخاص متدین و آنها هم بی توجه دنبال می‌کنند. امروز روزی نیست که ما مساجدمان را صرف این بکنیم که زید بهتر است یا عمرو، مسیرتان، کارت‌تان و منبرتان، بازارتان همه دنبال این باشد



وحدت عملی امام (ره)

با وجود نقاط مشترک فراوان در کشورهای اسلامی، نظریه منسجمی که هم بتواند چارچوبی نظری برای وحدت دنیای اسلام تبیین کند و هم از توان اجرایی و امکان عملی برخوردار باشد، کمتر وجود داشته است و لیکن دیدگاههای وحدت گرای امام، واجد این نقطه قوت است؛ چرا که امکان عملی شدن یافته‌اند. در آراء وحدت گرای امام، همگرایی سیاسی به عنوان پروسه‌ای بلند مدت، مطرح است که در آن، همگرایی در ساختارها و نهادهای دولت، مورد توجه می‌باشد و هم همگرایی اجتماعی، به عنوان پروژه ای میان مدت، که بیشتر مورد نظر نظریه پردازان ارتباطات است. در این نظریه، توسعه مبادلات و ارتباطات اجتماعی در یک منطقه به ایجاد و تقویت احساسهای مشترک و منافع متقابل کمک نموده و روند همگرایی را در سطح سیاسی سرعت خواهد بخشید.^{۱۷}

با بررسی آثار و اندیشه‌های امام به این نتیجه خواهیم رسید که این وحدت و همگرایی به هیچ وجه به سبب وضعیت سیاسی جهان اسلام نیست که باید به وجود بیاید؛ بلکه ما مسلمانان با یکدیگر برادریم و برابر و فرقی بین شیعه و سنی نیست. امام همواره تأکید می‌فرمودند: شیعه و سنی اصلاً مطرح نیست. ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم.^{۱۸} و لذا امام با توجه و استعانت به این اتفاقات و مشترکات مسلمانان، لازم می‌دانستند که در ابعاد سیاسی و اجتماعی نیز با یکدیگر وحدت داشته باشیم. بنابراین، اصل وحدت و برادری و برابری دینی است و از این اصل است که فروعات سیاسی و اجتماع، متفرع می‌شود. نظریه و افکار وحدت گرایانه امام که به شرح آنها خواهیم پرداخت، با بررسیهای عمیق فقهی، فلسفی، عرفانی و

سیاسی حاصل گشته‌اند و پشتوانه این اندیشه‌ها اصل دین است نه صرفاً پاره‌ای مسائل سیاسی که مقتضای آن وحدت مسلمین باشد. با این مسیر، اصل دین که همان توحید است، محور وحدت و عامل عزت مسلمانان می‌گردد و در چهل حدیث به این مطلب پرداخته شده است^{۱۷} و وسیله پیشرفت و نائل آمدن به مدینه فاضله را در همین توحید کلمه و توحید عقیده می‌داند و سپس در ادامه با استناد به نص «انما المومنون اخوه» می‌افزاید: «مسلمین مأمورند به دوستی و مواصلت و نیکویی به یکدیگر و مودت و اخوت و معلوم است آنچه موجب ازدیاد این معانی شود، محبوب و مرغوب است و آنچه این عقد مواصلت و اخوت را بگسلد و تفرقه در بین جمعیت اندازد، مبغوض صاحب شرع و مخالفت مقاصد بزرگ اوست و پر واضح است که این کبیره موبقه اگر رایج شود در بین جمعیتی، موجب کینه و حسد و بغض و عداوت شده و ریشه فساد، در جمعیت بدواند، درخت نفاق و دورویی در آنجا ایجاد کند و برومند نماید و وحدت و اتحاد جامعه را گسسته کند، پایه دیانت را سست کند و از این جهت بر فساد و قبح آن افزوده گردد.»^{۱۸} از این مطالب چنین استنباط می‌گردد که وجوب وحدت، نزدیکی مسلمین به یکدیگر، اصالتاً فرسنگها با مصلحت سنجیهای سیاسی فاصله دارد و البته این توحید اصلاً منافاتی با اختلاف نظر و تنوع اندیشه ندارد. امام به نوعی وحدت در عین کثرت معتقد بودند و این وحدت، ریسمانی است برای پرهیز از دشمنی و دو دستگی خصمانه و لکن دو دستگی و اختلاف به خودی خود، به توحید ضربه وارد نمی‌کند کما اینکه در بین پیروان یک مذهب خاص نیز این اختلافات و دو دستگیها موجود است، اما نباید به دشمنی و خصومت منجر شود. با

امام به نوعی وحدت در عین کثرت معتقد بودند و این وحدت، ریسمانی است برای پرهیز از دشمنی و دو دستگی خصمانه و لکن دو دستگی و اختلاف به خودی خود، به توحید ضربه وارد نمی‌کند کما اینکه در بین پیروان یک مذهب خاص نیز این اختلافات و دو دستگیها موجود است، اما نباید به دشمنی و خصومت منجر شود



وجود داشتن اختلاف، اما واحد بودن و داشتن مذاهب اسلامی و امت واحده بودن و به طور کلی اختلافی که منجر به نفی محبت و دوستی نشود، منشأ خیر فراوان خواهد بود و لذا آن اختلافی که موجب دشمنی است، مذموم و ناپسند است نه اختلاف در عین وحدت و دوستی و محبت.

وظیفه مسلمین در این وضعیت این است که از تفرقه و اختلافات بپرهیزند و به جهات اشتراک دست یازند و بر این اساس است که امام قاطعانه با تفرقه‌افکنیها مقابله می‌کند و می‌فرماید:

«هان ای مسلمانان قدرتمند! به خود آیین و خود را بشناسید و به عالم بشناسانید و اختلافات فرقه‌ای و منطقه‌ای را که به دست قدرتهای جهانخوار و عمال فاسد آنها برای غارت شما و پایمال کردن شرف انسانی و اسلامی شما بار آمده، به حکم خدای تعالی و قرآن مجید به دور افکنید و تفرقه افکنان از قبیل آخوندهای جیره خوار و ملی‌گرایان بی‌خبر از اسلام و مصالح مسلمین را از خود برانید که ضرر اینان بر اسلام از ضرر جهانخواران کمتر نیست. اینان اسلام را وارونه نشان می‌دهند و راه را برای غارتگری باز می‌کنند.»^{۱۹}

لازم به ذکر است که نظریه وحدت و اتحاد مسلمین که مبتنی بر اصول دین و برگرفته از مضامین قرآنی و اسلامی است، نفی کننده بعد سیاست و عقلانیت سیاسی داشتن این جریان نیست و البته اگر سیاسی هم که گفته می‌شود، نباید به معنای منفی کلمه باشد؛ بلکه نظریه‌ها و ایدئولوژیهای سیاسی امام علاوه بر اینکه برگرفته از کتاب آسمانی و مبتنی بر اسلام است، در مراتب پایین‌تر به اندیشه‌های وحدت نیز وابسته است؛ یعنی اولاً و بذات اندیشه و نظریه وحدت (از دیدگاه امام) ضروری اصل دین است و ثانیاً و بالعرض برگرفته از وجوب عقلانیت سیاسی وحدت است و این در جای جای سخنان امام موج می‌زند. که به قسمت‌هایی از آنها اشاره شد و در آینده نیز به قسمت‌های دیگر آن خواهیم پرداخت.

همانگونه که گفتیم امام در بحث وحدت، نظریه پردازی عمل‌گراست. ایشان به اتحاد جهان اسلام پایبندی عملی داشتند و این عمل‌گرایی را در دو سطح دنبال می‌نمایند.^{۲۰}

۱. سطح دولتهای اسلامی

۲. سطح مستضعفان جهان در برابر دولتهای استعماری

از دیدگاه امام هر چند مشروعیت برخی از دولتها، دچار اشکال بود، اما با این وجود تمامیت ارضی کشورها را به رسمیت می‌شناختند و سعی داشتند تا به بیداری دولتها کمک کنند. همچنین در راستای دفاع

با وجود نقاط مشترک فراوان در کشورهای اسلامی، نظریه منسجمی که هم بتواند چارچوبی نظری برای وحدت دنیای اسلام تبیین کند و هم از توان اجرایی و امکان عملی برخوردار باشد، کمتر وجود داشته است و

لیکن دیدگاههای وحدت‌گرای امام، واجد این نقطه قوت است؛ چرا که امکان عملی شدن یافته‌اند. در آراء وحدت‌گرای امام، همگرایی سیاسی به عنوان پروسه‌ای بلند مدت، مطرح است که در آن، همگرایی در

ساختارها و نهادهای دولت، مورد توجه می‌باشد و هم همگرایی اجتماعی، به عنوان پروژه‌ای میان مدت، که بیشتر مورد نظر نظریه پردازان ارتباطات است



از مستضعفان با استعمار به عنوان یک ظلم جهانی ابراز مخالفت نمودند و همواره تأکید داشتند که باید مستضعفان جهان، بدون توجه به مذهب و ایدئولوژی آنان، برای مبارزه با استعمار و قدرتهای سلطه طلب به ایجاد وحدت، همت گمارند.^{۲۱} ایشان در راستای معیارها و مبناهای این امر می‌فرمودند: «برنامه ما، که برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم، هم‌پیمایی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان، مقابل صهیونیست، مقابل اسرائیل، مقابل دول استعمار طلب، مقابل کسانی که ذخایر این ملت فقیر را به رایگان می‌برند و ملت بدبخت در آتش فقر و بیکاری و بینوایی می‌سوزد.»^{۲۲}

در برنامه امام مهم‌ترین هدف، انسجام جوامع اسلامی و ایجاد تغییر در نظام جهانی است که با برنامه‌های استعماری به وجود آمده و به نفع «کشورهای شمال» است. در این نظام «سهم کشورهای جنوب» از برخورداریهایی جهانی بسیار اندک است. در ارتباط برای وحدت میان دولتها با به رسمیت شناختن حق حاکمیت دیگر کشورها و موضع‌گیری صلح‌آمیز و رابطه دوستانه با آنان، درصدد بودند که به ایجاد همگرایی سیاسی نایل آیند.

امام عوامل چندی را برای همسویی دولتها و سران کشورهای اسلامی حایز اهمیت می‌دانستند و خواستار تحقق آنها بودند.^{۲۴} این عوامل عبارتند از:

۱. بازگشت به اسلام نخستین

۲. وابسته نبودن به قدرتهای بیگانه و حفظ استقلال

۳. وحدت کشورهای اسلامی در برابر قدرتهای استعماری

۴. همگامی دولتها و ملتها

۵. تشکیل فدراسیونی از دولتهای اسلامی.

بازگشت به اسلام نخستین و زدودن خرافه‌ها و پیرایه‌ها و ساز و برگهایی که به اسلام در طول تاریخ بسته شده است، مسئله‌ای بود که در طول یکصد و پنجاه سال گذشته، نهضتهای اصلاح طلبانه برای آن اهمیت و ارج فراوانی قائل بوده‌اند کما اینکه سید جمال الدین اسدآبادی به عنوان اولین کسی که به این بحث پرداخته است و بازگشت به قرآن و سنت و سیره سلف صالح را تنها چاره و درمان این درد می‌داند.^{۲۵} امام نیز به عنوان یکی از احیایگران بزرگ اسلامی، بازگشت به اسلام نخستین را اولین گام و مهم ترین هدف دولتها و ملتها برای دست یابی به وحدت و یکپارچگی جوامع اسلامی می‌دانند.

«ما تا به اسلام برنگردیم، تا به اسلام رسول الله برنگردیم، مشکلاتمان سر جای خودش هست، نه می‌توانیم قضیه فلسطین را حلش کنیم و نه افغانستان را و نه سایر جاها را. ملتها باید برگردند به صدر اسلام. اگر حکومتها هم با ملتها برگشتند که اشکالی نیست و اگر برگشتند ملتها باید حساب خودشان را از دولتها جدا کنند.»^{۲۶}

شاخصهای دیگری که می‌توانند به همگرایی دولتهای اسلامی کمک کنند، استقلال آنان و وابسته نبودن آنان به بیگانگان است. کشورهای مستقل خود می‌توانند آزادانه با توجه به صلاح خود و اسلام تصمیم گیری کنند و از هر نوع اعمال نظری از سوی بیگانگان رهایی یابند. چنانچه دولتها مستقل باشند، به نقطه مشترکی دست پیدا می‌کنند و آن ایستادگی در برابر استعمارگران است.

شاخصه بعدی که از اهمیت فراوانی برخوردار است، همگامی و همراهی دولتها با یکدیگر است. دولتهایی که مبتنی بر اراده و خواست مردمشان باشند، برای حفظ مصالح مردم و تقویت روح اسلام خواهی و حرکت به سمت امت اسلامی، رویکردی صلح جویانه و مسالمت خواهانه دارند و برای تقویت بنیانهای اساسی تلاش می‌نمایند و با چشم پوشی از اختلافات جزئی به مشترکات اسلام تأسی می‌جویند.

امام خمینی در این باره می‌فرماید:

«اگر حکومت کنندگان کشورهای اسلامی، نماینده

مردم با ایمان و مجری احکام اسلام می‌بودند، اختلافات جزئی را کنار می‌گذاشتند، دست از خرابکاری و تفرقه اندازی برمی‌داشتند و متحد می‌شدند و ید واحده می‌بودند، در آن صورت مشتی بهبودی بدبخت که عمال آمریکا و انگلیس و اجانبند، نمی‌توانستند این کارها را بکنند، هر چند آمریکا و انگلیس پشتیبان آنها باشند. این از بی فرهنگی کسانی است که بر مردم مسلمان حکومت می‌کنند.»^{۲۷}

امام با بر شمردن مشترکات مسلمانان در صد رسیدن به هدف بسیار بزرگی بودند و آن همسویی کامل دولتهای اسلامی و تشکیل فدراسیونی از این کشورها بود. ایشان بر آن بودند که زمینه‌های همسویی و همگرایی کامل دولتهای اسلامی را فراهم آورند و فدراسیونی از این کشورها تشکیل شود و در جای جای سخنانش این موضوع وحدت و برادری و یکپارچگی را به سران دول اسلامی تذکر می‌دادند و به کرات از آنها برای رسیدن به این مهم دعوت می‌نمودند.^{۲۸}

خودداری از طرح نمودن مسائل تفرقه انگیز

امام خمینی (ره) علاوه بر اینکه نسبت به طرح نمودن مسائل تفرقه انگیز تأکید فراوانی داشتند، همواره علماء و مردم را از این گونه مسائل نهی می‌فرمودند و اعتقاد داشتند طرح هر نوع مطلبی که عوامل اختلاف بین مسلمین را فراهم آورد، جایز نیست و امروز که مسلمین تحت فشارهای فراوان قدرتهای بزرگ هستند، مطرح نمودن مسائلی که حاصلی جز تفرق و پراکندگی صفوف مسلمین ندارد، شایسته نیست. در این قسمت به ذکر بیاناتی از امام می‌پردازیم که بر این موضوع تأکید داشته‌اند.

الف. از خود راندن تفرقه افکنان

«هان ای مسلمانان قدرتمند! به خود آییند و خود را بشناسید و به عالم بشناسانید و اختلافات فرقه‌ای و منطقه‌ای را که به دست قدرتهای جهانخوار و عمال فاسد آنها برای غارت شما و پایمال کردن شرف انسانی و اسلامی شما بار آمده، به حکم خدای تعالی و قرآن مجید به دور افکنید و تفرقه افکنان از قبیل آخوندهای جیره خوار و ملی گرایان بی خبر از اسلام و مصالح مسلمین را از خود برانید که ضرر اینان بر اسلام از ضرر جهانخواران کمتر نیست. اینان اسلام را وارونه نشان می‌دهند و راه را برای غارتگری باز می‌کنند.»^{۲۸}

«امروز روز این بحثها نیست و دنبال کردن این حرف که چه کسی بد است و چه کسی خوب است، خلاف اسلام است و خلاف مصالح اسلامی. این جزء

امام خمینی
(ره) علاوه بر اینکه
طرح نمودن مسائل
تفرقه انگیز تأکید
فراوانی داشتند،
همواره علماء و مردم
را از این گونه مسائل
نهی می‌فرمودند
و اعتقاد داشتند
طرح هر نوع مطلبی
که عوامل اختلاف
بین مسلمین را
فراهم آورد، جایز
نیست و امروز که
مسلمین تحت
فشارهای فراوان
قدرتهای بزرگ
هستند، مطرح
نمودن مسائلی که
حاصلی جز تفرق و
پراکندگی صفوف
مسلمین ندارد،
شایسته نیست



نقشه‌ای از خارج است که نگذارند این مملکت آرام گیرد، نگذارند شما یک مملکت اسلامی درست کنید. این نقشه ای است که از خارج اشخاصی شیطانی الهام می‌کنند که به اشخاص متدین و آنها هم بی توجه دنبال می‌کنند و شما مردم را آماده کنید که امروز روزی نیست که ما مساجدمان را صرف این بکنیم که زید بهتر است یا عمرو، مسیرتان، کارت‌ان و منبرتان، بازارتان همه دنبال این باشد.^{۲۹}»

ب. خیانت بودن تفرقه افکنی

«یکی جزوه می‌دهد و لعن می‌کند کسی را و یکی جزوه می‌دهد و تعریف می‌کند از کسی، هر دو خلاف است. هر دو امروز غلط است. دست بردارید از نادانی، شما را تحریک نکنند آنهایی که با اسلام دشمن هستند. خیانت به اسلام نکنید، این تفرقه، امروز خیانت به اسلام است با هر اسمی که باشد. امروز سر ولایت امیرالمومنین (ع) اختلاف کردن، خیانت به اسلام است. امروز این حرفها را طرح نکنید همه توجه به این معنا داشته باشید که این سرنوشتی که بناست برای ایران تحقق پیدا کند، خوب باشند. با اعمال شما مبدا اسلام فراموش شود، با اعمال شما مبدا اسلام دفن شود، اگر دلسوز به اسلام هستید، دست از تفرق بردارید، اگر دلسوز به ملت هستید، دست از تفرق بردارید، اگر دلسوز به کشورتان هستید، دست از این تفرقات بردارید. سر یک نفر آدم که آیا کافر است یا مسلم، تو سر هم نزنید، توجه به مسائل کنید، شما را می‌خواهند به جان هم بریزند و آنها نتیجه بگیرند. خداوند ان شاء الله از غفلتها بیدار کند. خداوند ان شاء الله تفرقه افکنها را هدایت کند.»^{۳۰}

البته لازم به توجه است اینکه امام می‌فرماید امروز سر ولایت امیرالمومنین هم نباید اختلاف کرد، به معنای کم اهمیت بودن ولایت امیرالمومنین نیست و به معنای این که به هیچ وجه نباید به این قضیه پرداخت؛ بلکه به این معناست که به سبب این جریان ما نباید در چاه عمیق اختلاف و تفرق بیفتیم و لکن می‌توان به شکلی از ولایت امیرالمومنین بحث و گفتگو کرد که موجب نزدیکی و وحدت مسلمین شود و در بحث و مباحث علمی اگر با این شیوه، به استدلال بپردازیم نه تنها نکوهیده نیست؛ بلکه امری مستحسن و نیکوست. کما اینکه علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین موسوی عاملی به چنین اقدامی مبادرت ورزید و البته به درخواست یک عالم اهل سنت، رئیس وقت الازهر به نام شیخ سلیم بشری و این مباحث موجبات تألیف قلوب مسلمین را فراهم کرد؛ لذا از دیدگاه امام اختلاف و تفرقه مذموم و نکوهیده است؛ حتی اگر درباره مهم ترین مسائل مذهب باشد. نه اینکه

مسائل اساسی مذاهب از اهمیت برخوردار نباشند. امام همواره این اختلاف و نبود اتحاد را مشکل اساسی ملت‌های مسلمان می‌دانست^{۳۱} و راه نجات مسلمین از همه مشکلاتشان را در وحدت و پرهیز از تفرقه می‌دانست^{۳۲} نکته جالب در سخنان امام خمینی (ره) این است که ایشان همه این مبانی فکری را از قرآن و سنت همراه با حکم عقل گرفته بود و استنادش برای پرهیز از تفرقه و ضرورت ایجاد وحدت علاوه بر حکم عقل، تأکید بر آیات قرآن بود^{۳۳}.

ب. صدور فتاوا و احکام وحدت محور

امام خمینی (ره) در باب صدور فتاوا در مورد مسائل



امام خمینی (ره) در باب صدور فتاوا در مورد مسائل اخلاقی مذاهب مختلف اسلامی به اقدامی عملی مبادرت ورزید که پیش از آن سابقه نداشت و احکامی صادر کرد که مبتنی بر ضرورت همسویی مذاهب اسلامی بود و موجب نزدیکی مذاهب اسلامی گشت

اخلاقی مذاهب مختلف اسلامی به اقدامی عملی مبادرت ورزید که پیش از آن سابقه نداشت و احکامی صادر کرد که مبتنی بر ضرورت همسویی مذاهب اسلامی بود و موجب نزدیکی مذاهب اسلامی گشت که به ذکر تعدادی از این فتاوا می‌پردازیم:

۱. از آنجا که مسئله حج و انجام این فریضه بزرگ الهی از مسائل مهم اسلامی و اجتماعات بزرگ سیاسی مذهبی جامعه مسلمانان می‌باشد، این حقیقت را به همگان گوشزد کنند که دشمنان اسلام با تمام سعی و تلاشی که در ایجاد تفرقه و اختلاف میان جوامع اسلامی دارند و به هر نام و هر وسیله می‌کوشند تا با درگیری میان مسلمانان زمینه را برای تسلط کامل و مجدد خود بر همه کشورهای اسلامی و چپاول و غارتگری خود مساعد سازند و به همین جهت لازم است از هر گونه عمل تفرقه انگیز خودداری کنند که

تقیه در اصطلاح، صلاح ورزی اسلامی است که در آن صلاح اجتماعی و فردی و مصالح کلی در نظر گرفته می‌شود و سنتی از سنت‌های پیامبر خدا و ائمه است. تقیه نه تنها در شیعه، بلکه از سوی علمای اهل سنت نیز پذیرفته شده است

این وظیفه ای شرعی و الهی است.^{۴۴}

حکم قضات اهل سنت لازم است و مجزی است، اگر چه قطع به خلاف داشته باشید.^{۴۵}

ماهیت تقیه

پس از فرمان وحدت بخش امام خمینی (ره) بعضی از برادران اهل سنت اعلام کردند که این فرمان، هر چند در ایجاد وحدت و برادری سودمند است، اما از آنجا که این امر از روی ترس و تقیه است، نمی‌توان برای آن اثری یافت و برخی دیگر از اهل سنت این نوع اعمال شیعیان را ناشی از نفاق و ترس می‌دانند بر این اساس به بررسی تقیه و اقسام آن می‌پردازیم.

تقیه در اصطلاح، صلاح ورزی اسلامی است که در آن صلاح اجتماعی و فردی و مصالح کلی در نظر گرفته می‌شود و سنتی از سنت‌های پیامبر خدا و ائمه است. تقیه نه تنها در شیعه بلکه از سوی علمای اهل سنت نیز پذیرفته شده است.^{۴۶}

امام خمینی نیز در کتاب *الرسائل*، ابتدا اقسام تقیه را از جهات مختلف بیان نموده است و آن گاه به تفصیل ادله هر کدام می‌پردازد که به ذکر نمونه ای از این فرازها می‌پردازیم:^{۴۷}

انواع تقیه

۱. تقیه اضطراری

الف. بیم از زیان جانی، آبرو و مال یا آنچه متعلق به اوست.

ب. بیم از ضرر به برادران ایمانی

ج. بیم از ضرر به حوزه اسلام و ترس از ایجاد اختلاف کلمه مسلمین

۲. تقیه مداراتی

آنچه مطلوب است وحدت کلمه مسلمین با محبت و دوستی و مدارا با مخالفین بدون اینکه ترس و بیمی در کار باشند.

امام پس از این تقسیم بندی به ذکر ادله موجود در روایات می‌پردازد و آن گاه بر تقیه مداراتی تأکید می‌کند و می‌فرماید: آنچه از این روایات استفاده می‌شود، این است که عملی که از روی تقیه انجام شود صحیح است خواه تقیه بر اثر اختلاف میان ما و آنها در حکم (فقهی و اجتهادی) باشد مانند مسح به روی کفش و افطار به هنگام غروب یا در ثبوت موضوع خارجی مانند وقوف به عرفات در روز هشتم ذی‌حجه به خاطر ثبوت هلال ماه نزد آنان.

بنابراین، بر اساس آنچه از فتاوی‌ای امام استنباط می‌گردد، عمل به مذهب اهل سنت از روی ترس و نفاق و اضطرار نیست؛ بلکه به دلیل اتحاد و وحدت مسلمین است. همان‌طور که امام و تعدادی از

۲. خارج شدن از مسجد الحرام یا مسجد مدینه به هنگام شروع نماز جماعت جایز نیست و بر شیعیان واجب است که با آنان نماز جماعت بخوانند.^{۴۸}

۳. برای شرکت در جماعت اهل سنت چنانچه شخص برای تقیه مطابق آنها وضو بگیرد و دست بسته نماز بخواند و پیشانی بر فرش بگذارد، نمازش صحیح است و اعاده ندارد.^{۴۹}

۴. لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه که موجب تفرق صفوف مسلمین است، احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعات در منازل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویه اجتناب نمایند و از افتادن روی قبور مطهره و کارهایی که گاهی مخالف شرع است، جدا اجتناب کنند.^{۴۷}

۵. در هتل و مسافرخانه نماز جماعت نخوانند و چنانچه خلاف تقید باشد، صحت جماعت مشکل است.^{۴۸}

۶. از امام استفتاء شد که برای شرکت در نماز جماعت اهل سنت باید به وظایف نماز برای فرادا عمل کرد یا احکام جماعت؟ امام فرمودند: وظیفه جماعت است و احکام جماعت را دارد.^{۴۹}

۷. در مسجد الحرام و مسجد رسول الله مهر گذاشتن و سجده کردن بر آن حرام است و نماز اشکال پیدا می‌کند.^{۴۰}

۸. گفتن «شهد ان علیاً ولی الله» جزو اذان و اقامه نیست و در جایی که خلاف تقیه است، گفتن آن حرام است و نباید بگوید.^{۴۱}

۹. در وقتی که در «مسجد الحرام» و «مسجد النبی» نماز جماعت منعقد می‌شود، مومنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.^{۴۲}

۱۰. از امام استفتاء شد با توجه به اینکه اهل سنت دست بسته نماز می‌خوانند و آمین می‌گویند و آیا در حال اختیار شیعیان می‌توانند در نماز جماعت اهل سنت شرکت کنند؟ امام در پاسخ فرمودند: در مورد تقیه شرکت جایز و نماز صحیح است و مختص به مورد ضرورت نیست.^{۴۳}

۱۱. اگر اول ماه ذی حجه نزد علمای اهل سنت ثابت شد و حکم کردند به اول ماه، باید حجاج شیعه از آنها تبعیت کنند و روزی را که مسلمین به عرفات می‌روند، آنها نیز بروند و حج آنها صحیح است.^{۴۴}

۱۲. طواف را به نحو متعارف که همه حجاج به جا می‌آورند، به جا آورند و از کارهایی که افراد جاهل می‌کنند، احتراز شود و مطلقاً از کارهایی که موجب وهن مذهب است باید احتراز شود. در وقوفین، متابعت از



۹. همان، ج ۱۳، ص ۱۶۳.
۱۰. اشاره به آیه «محمد رسول الله و الذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم» سوره فتح، ۲۹.
۱۱. صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۳۵.
۱۲. همان، ص ۹۶.
۱۳. همان، ج ۱۰، ص ۱۹۶- همان ص ۲۵۸ - همان، ج ۴، ص ۲۱۷.
۱۴. همان، ج ۱۴، ص ۸۳.
۱۵. منادیان تقریب، امام خمینی و همگرایی جهان اسلام ص ۴۶.
۱۶. صحیفه نور، ج ۵، ص ۷۷.
۱۷. چهل حدیث، ص ۳۱۱-۳۰۹، همان ص ۳۱۲.
۱۸. همان، ص ۳۱۲.
۱۹. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۹۹.
۲۰. منادیان تقریب، امام خمینی، ص ۵۴.
۲۱. صحیفه نور، ج ۱، ص ۸۴.
۲۲. اندیشه سیاسی در جهان اسلام از فروپاشی خلافت عثمانی، ج ۱، ص ۵۷۲.
۲۳. منادیان تقریب، ص ۵۷.
۲۴. اندیشه اصلاحی در نهضت‌های اسلامی، ص ۱۳۶.
۲۵. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۸۲.
۲۶. ولایت فقیه، ص ۲۴-۲۵.
۲۷. صحیفه نور، ج ۱، ص ۹۳. همان ص ۱۲۱-۱۲۰، ۲۰۹-۱۲۰.
۲۸. همان، ج ۳، ص ۱۰۵.
۲۹. همان، ج ۱۹، ص ۱۹۹.
۳۰. همان، ج ۷، ص ۲۵۷.
۳۱. همان، ج ۸، ص ۴۳.
۳۲. همان، ج ۱۵، ص ۲۶۲.
۳۳. همان، ج ۸، ص ۹۰.
۳۴. همان، ج ۶، ص ۸۴ و ۸۹.
۳۵. همان، ج ۱۴، ص ۲۷۳.
۳۶. رساله نوین، ج ۱، ص ۲۶۵.
۳۷. همان.
۳۸. صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۷۷-۱۷۶.
۳۹. رساله نوین، ج ۱، ص ۲۶۹.
۴۰. همان، ص ۲۶۵.
۴۱. همان.
۴۲. مناسک حج، ص ۲۵۷.
۴۳. رساله نوین، ج ۱، ص ۲۷۰.
۴۴. همان، ص ۲۶۵.
۴۵. صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۷۶.
۴۶. منادیان تقریب، ص ۷۵.
۴۷. رساله نوین، ج ۱، ص ۲۶۶.
۴۸. همان، ص ۲۷۰.
۴۹. رساله نوین، ج ۱، ص ۲۶۹ به نقل از الرسائل، امام خمینی، ج ۲، ص ۲۰۰-۱۷۴.

※ فهرست منابع و مآخذ این نوشتار در دفتر نشر به موجود است.

دیگر از مراجع، حکم اقتداء به اهل سنت را حصر به مسجدالحرام و مسجد النبی نمی‌کنند و اقتداء در دیگر اماکن را نیز جایز می‌دانند و یا در جواب شخصی که از ایشان می‌پرسد با توجه به اینکه اهل سنت دست بسته نماز می‌خوانند و آمین می‌گویند، آیا در حال اختیار، شیعیان می‌توانند در نماز اهل سنت شرکت کنند؟ می‌فرمایند: در مورد تقیه شرکت جایز و نماز صحیح است و مختص به مورد ضرورت نیست.^{۴۸} لذا تقیه ای که منظور نظر امام و خیلی از مراجع دیگر است، تقیه مداراتی است که برگرفته از سنت است و از روی ترس و نگرانی نیست؛ بلکه این امر در راستای برقراری دوستی میان مسلمانان می‌باشد. امام در بحث جایگاه تقیه اضطراری و تقیه مداراتی می‌فرمایند:

بدون اشکال تقیه اضطراری تابع تحقق عنوان اضطرار و ضرورت است، بدون توجه به سبب آن. بنابراین، اگر فرضاً شخص کافر، یا پادشاه شیعی یا غیره، کسی را ناچار به انجام عبادت به طرز خاصی کند، مجزی است، اما تقیه مداراتی که نسبت به آن ترغیب شده و عبادات با آن محبوب‌ترین و بافضیلت‌ترین عبادات است، اختصاص به تقیه [و پرهیز از اختلاف] با اهل سنت دارد.

شاید راز آن، صلاح حال مسلمانان یا وحدت کلمه و پرهیز از تفرقه و اختلاف جماعت آنان است تا اینکه میان سایر ملل دلیل و خوار شوند و تحت سلطه و سیطره کفار قرار نگیرند.^{۴۹}

رحلت

سرانجام این آفتاب عالم تاب و این رهبر بزرگ و مرجع عالی قدر اسلامی که آوازه‌اش در سرتاسر جهان پیچیده بود، در چهاردهم خرداد ۱۳۶۸ شمسی به ملکوت اعلی پیوست. در مراسم تشییع پیکر او به اعتراف رسانه‌های جهانی، بیش از پنج میلیون نفر شرکت نمودند و او را در بهشت زهرای تهران به خاک سپردند.

پی‌نوشتها

۱. مجله پاسدار اسلام، شماره ۸۴.
۲. نهضت امام خمینی، ص ۳۵.
۳. همان.
۴. جستجوی راه از کلام امام، ص ۴۴.
۵. تاریخ معاصر ایران از دیدگاه امام خمینی، ص ۱۸۴.
۶. نهضت امام خمینی، ج ۱۱، ص ۶۴۳-۶۳۲ برای مشاهده کامل بیانیه مراجعه شود به اندیشه تقریب، سال دوم، شماره پنجم، شیخ محمد سلطوت، ص ۱۲۶-۱۲۷.
۷. سوره حجرات، ۱۰.
۸. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۴۸.

